

## قافیه و صنعت مطابقه

دکتر علی حسین رازانی<sup>\*</sup>



### چکیده

این مقاله به هنرهای پنهانی قافیه پرداخته است و صنعت «مطابقه» یا «ردّ الصدر علی العجز» را که به کمک قافیه ساخته می‌شود، مورد نقد و بررسی قرار داده و برای یافتن نمونه‌های تازه‌ای از این صنعت، قافیه‌های قصاید چهار شاعر بزرگ و حکیم فرزانه: کسائی، ناصر خسرو، سنائی و خاقانی را در نظر گرفته و در نهایت معلوم گردیده که صنعت «مطابقه» بسیار متنوع تر و گسترده تر از نمونه‌هایی است که علمای بلاغت از گذشته تا امروز مطرح کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قافیه، مطابقه، نقد و علمای بلاغت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

به شیوه‌ی مقالات علمی و پژوهشی مقدمه‌ی این مقاله را با «بیان مسئله»، «اهمیت مطالعاتی»، «پیشینه‌ی تحقیق» و «روش تحقیق» آغاز می‌نمائیم. پس از آن به «ارائه‌ی داده‌ها» می‌پردازیم و سرانجام «نتیجه‌گیری» مقاله تقدیم می‌گردد.

## بیان مسئله

بیشتر بزرگان علم ادب و شعر و بلاغت در گذشته‌ی آنگونه که شایسته و بایسته قافیه شعر فارسی است به آن نپرداخته‌اند و همواره قافیه را به عنوان شاخه‌ی ای از علم عروض و با اصول زبان‌شناسی بررسی کرده‌اند. درست است که در قافیه‌سازی باید اصول زبان‌شناسی را رعایت کرد، اما فلسفه‌ی وجودی قافیه در شعر تنها سلامتی و هماهنگی هجای قافیه، روی، حرکات و حروف قافیه نیست. آنچه قافیه را از حدّ زبانی بالاتر می‌برد و به آن معنا و زیبایی ادبی و هنری می‌بخشد، صنایع لفظی و معنوی آن است. صنایعی که قافیه در ایجاد آنها نقش اساسی دارد. ما به مجموعه‌ی این زیباییها «بلاغت قافیه» و به چنین قافیه‌ای که ارزش زیبا شناسی دارد «قافیه‌ی بلاغی» می‌گوییم.

امروز نیز تاثیر بلاغی قافیه در علم سبک شناسی و نقد ادبی جایگاه خود را نیافته است. زیرا دیدگاه خود را دربار آن اصلاح نکرده‌ایم. و همواره قافیه را کلمه‌ای شناخته‌ایم که در پایان بیت می‌آید و شاعر ناگزیر به رعایت آن است. تمامی تعریف‌هایی که از قافیه موجود است، تعریف زبانی قافیه است. برای نمونه صاحب المعجم می‌گوید: «اما قافیت، بدانکه قافیت بعضی از کلمه‌ی آخرین بیت باشد به شرط آنکه آن کلمه بعینها و معناها در آخر ابیات دیگر متکرر نشود. پس اگر متکرر شود آن را ردیف خوانند و قافیت در ماقبل آن باشد.» (رازی شمس الدین، المعجم،



**پیشینه‌ی تحقیق:**

هنوز پژوهشی جامع در کشف هنرهای قافیه و قافیه پردازي انجام نگرفته، تا به ما ثابت کند که قافیه تا چه میزان می‌تواند سرچشمه‌ی زیباییهای ادبی باشد. ناشناخته ماندن «قافیه» بحدی است که حتی در تعریف صنایع بدیع و بیانی که «قافیه» در شکل‌گیری آن نقش اصلی به عهده دارد، نامی از قافیه برده نشده. تنها در بخشهایی از کتاب استاد نکته سنج و نکته بین زبان و ادبیات فارسی «دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی» با عنوان «موسیقی شعر» به «هنر قافیه پردازي» اشاراتی شده و استاد در مقدمه‌ی این کتاب می‌نویسد: «اگر به کتابهای فارسی و عربی که درباره‌ی علم شعر و قافیه نوشته‌اند رجوع کنیم؛ می‌بینیم که درباره‌ی هنر اصلی قافیه کمترین توجهی نکرده‌اند. تنها درباره‌ی الف تاسیس و دخیل و ردف و وصل و قید و مزید و خروج و نایره بحث‌ها کرده‌اند. آیا نمی‌توان درباره قافیه به صورت دیگری اندیشید؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۶۱).

**روش تحقیق**

در این مقاله با توجه به ضرورت موجود، برای نشان دادن گوشه‌ای از هنرهای قافیه، صنعت «مطابقه» یا «ردّ العجز علی الصدر»، مورد نقد و بررسی قرار گرفته. برای این کار منابع معتبر بلاغی (از گذشته تا امروز) با یکدیگر مقایسه و مباحث و نظرات و نمونه‌های آنها تحلیل گردیده. و پرسشهای فراوانی مطرح گردیده است. از جمله: چرا این صنعت نام‌ها و انواع متعددی دارد؟ و معلوم نیست چرا در گذشته فقط جناسهای تام و اشتقاق را سازنده‌ی این صنعت دانسته‌اند؟ در صورتی که در ساختن این صنعت جناس‌های دیگر مانند: جناس زائد و جناس اختلاف مصوت هم کاربرد بسیار زیادی دارد. پرسشهای دیگری نیز مطرح شده است از جمله: آیا مطابقه فقط با یک کلمه ساخته می‌شود؟ و یا آیا ردیف در ساخته شدن مطابقه نقشی ندارد؟



از انواع «موازنه» می‌باشد و نباید آن را با ردّ العجز علی الصدر اشتباه گرفت. به نظر می‌رسد، در دوره‌های بعد علمای بلاغت، به دلیل جلوگیری از همین اشتباهات که در تشابه اسمی ایجاد گردیده، نام این صنعت را «ردّ العجز الی الصدر» یا «ردّ الصدر علی العجز» نهادند. بگونه‌ای که سالها بعد، رشید الدین وطواط در کتاب «حدائق السحر» عنوان آن را «ردّ العجز علی الصدر» گذاشته. در دوره‌های بعد در خصوص «ردّ العجز علی الصدر» و «ردّ الصدر الی العجز» اختلافات زیادی بروز کرد و ریشه‌ی این اختلافات از نامگذاری شمس قیس رازی آغاز شد. زیرا او در کتاب «المعجم» تنها کسی است که نام این صنعت را «ردّ الصدر الی العجز» گذاشته و این صنعت را در ضمن صنعت «جناس تام» مطرح کرده و می‌نویسد:

به یمین تو چرخ داده یسار      به یسار تو ملک خورده یمین  
و درین بیت صنعتی دیگر هست کی آنرا ردّ الصّدّر الی العجز خوانند.» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۳۳۸) استاد علامه همایی در این باره می‌گوید: «صاحب المعجم این دو صنعت را درست بر خلاف و عکس چیزی گفته که مورد اتفاق همه علما و مؤلفان بدیع عربی و فارسی است و معلوم نیست این اشتباه از خود اوست یا اصطلاحی مخصوص بوده که جز در کتاب المعجم هیچ کجا دیده نمی‌شود.» (همایی، ۱۳۶۸: ۷۱).

دکتر کزازی نیز عقیده دارد که «ردّ العجز علی الصدر» پذیرفتنی تر و منطقی تر است. زیرا دانشهای زیباشناسی سخن و از آن میان بدیع، دانشهای سخن سنجی است، نه دانشهای سخنوری. «از این رو، از دید سخندان و سخن سنج می‌باید به ترفندها و آرایه‌های شاعرانه نگریم، نه از دید سخنور. سخن سنج زمانی بدین آرایه در بیت باز می‌خورد و از آن یاد می‌آورد که به «بُن» بیت (=عجز) رسیده باشد.



قدم باید اندر طریقت نه دم      که نوری ندارد دم بی قدم  
(طیبیان، ۱۳۸۹: ۴۶۸)

و در نمونه‌ی دوم دو کلمه با یکدیگر «جناس تام» دارند، یعنی شکل یکدیگرند  
ولی معنایشان متفاوت است:

روی جانان طلبی؟ آیینه را قابل ساز      ورنه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی  
(همان، ۴۷۰)

و در نمونه‌ی سوم دو کلمه جناس تام دارند ولی کلمه اول در حشو (وسط) مصراع  
بیاید:

هست بیرون از شمارم درد دل      وین شب تنه‌هایم روز شمار  
(همان، ۴۷۰)

و در نمونه‌ی چهارم که دو کلمه با یکدیگر جناس اشتقاق دارند. یعنی از یک ریشه  
مشتق شده باشند:

بیازردی مرا بی هیچ صحبت      ز من هرگز تو را نابوده آزار  
(همان، ۴۷۲)

و در نمونه پنجم که مانند قبلی است با این تفاوت که کلمه اول در حشو مصراع  
آمده:

پیش که صبح بردرد شقه‌ی چتر عنبری      خیز، مگر به رنگ می‌پردی صبح بر دری  
(همان، ۴۷۳)

در نمونه‌ی ششم دو کلمه با یکدیگر جناس «شبه اشتقاق» دارند. یعنی از یک ریشه  
مشتق نشده باشند:

رخساره‌ی تابنده چو از پرده نمود      یک باره ببرد از دل من طاقت و تاب  
(همان، ۴۷۳)





نویسی از این صنعت تقدیم حضور خوانندگان نماید. به همین منظور قافیه‌های قصاید چهار شاعر بزرگ قصیده سُرا که بیش از ۲۶ هزار قافیه می‌باشد، مورد پژوهش قرار داده، و شکل‌های تازه‌ای از مطابقه که پیش از این به آن توجه نشده.

### الف) مطابقه و جناس‌های دیگر

شاید پرسیده شود که اصولاً تفاوت بین مطابقه و جناس چیست؟ باید دانست که هر نوع جناس، بشرطی جزئی از صنعت مطابقه قرار خواهد گرفت که یکی از آنها در عجز و دیگری در صدر یا حشو یا ابتدای بیت قرار بگیرد. اینک نمونه‌های تازه‌ی مطابقه:

#### ۱- مطابقه با جناس زائد

گاهی کلمه‌ای که در صدر یا حشو یا ابتدای بیت قرار می‌گیرد با قافیه «جناس زائد» می‌سازد و چنین مطابقه‌ای یکی از پرکاربردترین نوع مطابقه در قصاید فارسی است. زیرا تعداد کلماتی که نسبت به یکدیگر یک یا دو حرف بیشتر یا کمتر داشته باشند فراوان است. و بر اساس جایگاه قرار گرفتن کلمه اول نسبت به قافیه، نمونه‌های گوناگونی از آن ساخته شده است. که با استناد به اشعار چهار شاعر برگزیده ارائه می‌گردد. در نمونه اول کلمه‌ای که جناس زائد می‌سازد در صدر بیت آمده.

آن کبک مرقع سلب بر چده دامن از غالیه غل ساخته از بهر نشان را

(سنایی، ۱۳۷۵: ۴۴)

گر من اسیر مال شوم همچو این و آن اندر شکم چه باید زهر جگر مرا

(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۶)

و در نمونه‌های دیگر کلمه‌ای که جناس زائد می‌سازد در حشو یا عروض یا ابتدا

می آید مانند:

چون آه آتشین ز نم از جان آهنین      سیماب فش گداز به آهن در آورم  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۴۰)

خوش مقصدیست ارمن و خوش مأمَن ارزم روم

من رخت دل به مقصد و مأمَن درآورم  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

شکر کن ز آنکه شرع و شعرت هست      خرت ار نیست گو شعیر مباح  
(سنائی، ۱۳۷۵: ۱۸۸)

ور ز زردشت بی هوا شنوی      زنده گرداندت چو قرآن، زند  
(سنایی، ۱۳۷۵: ۱۱۱)

چو عمر سوده شد و مایه عمر بود ترا      ترا ز مال که سوداست اگر نسود چه سود  
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۹۱)

راز آشکار کرد و دل من شکار کرد      تا آشکار اهل خرد شد شکار من  
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۳۴۶)

## ۲- مطابقه با جناس قلب

این نوع مطابقه کاربرد کمتری از نوع قبلی دارد. اگر حروف دو کلمه‌ای جا به جا گردد «جناس قلب» ساخته می‌شود. در این نوع تازه از صنعت مطابقه، کلمه‌ی قافیه با کلمه‌ی اوّل که در صدر یا حشو یا ابتدای بیت می‌آید «جناس قلب» دارد.

فاخته گفت آه من کله‌ی خضرا بسوخت      حاجب این بار کو ور نه بسوزم حجاب  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۴۳)

جنت رقمی ز رتبت اوست      تبست اثری ز تربت اوست  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۷۳)

### ۳- مطابقه و جناس لفظی

اگر دو کلمه از نظر لفظی شبیه یکدیگر باشند ولی از نظر املائی تفاوت داشته باشند «جناس لفظی» ساخته می‌شود. اما اگر این دو کلمه در محل صنعت مطابقه قرار گیرد، مطابقه‌های نو می‌سازد. مانند:

خوان گیتی همه قحط کرم است      حضرم از خوان خضر خان چکنم  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۵۲)

ماه رویا! به سر خویش، تو آن خیش مبند      نشنیدی که کند ماه تبه جامه‌ی خیش  
(کسایی، ۱۳۷۳: ۸۳)

### ۴- مطابقه و جناس مرکب

نمونه‌ی دیگر مطابقه زمانی ساخته می‌شود که دو کلمه‌ی «جناس مرکب» داشته باشند. مانند:

آن همه یک دو سه دیر غم دان      نه سدیست و نه غمدان چکنم  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۵۴)

گوئی که نگون کردست ایوان فلک وش را      حکم فلک گردان یا حکم فلک، گردان  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۵۸)

در نمونه زیر کلمه‌ی «زین» مخفف (از این) با کلمه «زین» در مصراع دوم، جناس مرکب می‌سازد:

زین دیو نکال اگر ستوهی      بر مرکب دیست برفکن زین  
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۳۱۲)

تاکی خوری دریغ ز بُرنایی      زین چاه آرزو ز چه بُرنایی  
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۴۰۰)



خود جناس خط دارد. مانند:

ای دل و هوش و خرد داده به شیطان رجیم  
روی بر تافته از رحمت رحمان رحیم

(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۳۰۰)

ای رحیم از تست قووت بر حذر      مر مرا از مکر شیطان رجیم

(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۲۸۴)

بدین ترتیب آشکار می‌شود که تقسیم بندی صنعت مطابقه یا تصدیر توسط گذشتگان، از نقایصی خالی نیست و اگر به قول گذشتگان در ساخته شدن انواع "مطابقه" تنها جناس تام، اشتقاق و شبه اشتقاق مؤثر است، نمونه‌های دیگر از مطابقه وجود دارد که با جناسهای دیگر مانند: جناس زائد، جناس قلب، جناس لفظی، جناس مرکب و جناس اختلاف مصوت ساخته می‌شود و کاربرد آن کم نیست.

#### ب) شکلهای دیگر صنعت مطابقه

با پژوهش به عمل آمده، معلوم گردید که شعرای قصیده پرداز، نه تنها در نوع جناس بلکه در شکل و ساختار صنعت مطابقه نیز به ابتکارات و نوآوری‌هایی دست زده‌اند. که در تعاریف رسمی علمای بلاغت نیامده است. از جمله:

#### ۱- مطابقه‌ی دو کلمه‌ای

در کتابهای بدیع، صنعت مطابقه را در یک لفظ و یک کلمه محدود کرده‌اند. برای نمونه در کتاب «حقایق الحدائق» در تعریف قسم دوم مطابقه می‌گوید: «آنست که: لفظی در صدر آورد و در عجز نیز بیاورد» (رامی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۳). همچنین در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی می‌نویسد: «لفظی که در اول بیت و جمله نثر آمده



شعار و دثارم ز دینست و علم      همین بُد شعار و دثار علی  
(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۴۷۹)

گر نخواهید که ایوان و حجر گرید خون      نقش نو شاد به ایوان و حجر باز دهید  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۵)

## ۲- مطابقه با بیش از دو کلمه

بندرت اتفاق می‌افتد که شاعر سه کلمه را در صنعت مطابقه دخالت می‌دهد.  
چنانکه حکیم ناصر خسرو می‌گوید:

روز و مه و سالش نکند پست از یراک      پاینده بدو پست شده روز و مه و سال  
(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۲۴۵)

و خاقانی در قصیده‌ی معروف خود که با ردیف «ری» سروده، از سه کلمه بهره  
می‌گیرد و می‌گوید:

آن را که تن به آب و هوای ری آوردند      دل آب و جان هوا شد از آب و هوای ری  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

## ۳- مطابقه با قافیه و ردیف

گاه شاعر قافیه و ردیف را بدون جا به جایی تکرار می‌کند و این نوع از مطابقه نیز  
تازگی دارد، چنانکه شاعر در قصیده‌ای با ردیف «را» می‌گوید:

جهان را به آهن نشایدش بستن      به زنجیر حکمت ببند این جهان را  
(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۴)





«کلمه‌ی اوّل را در آخر تکرار کند.» (رادفر، ۱۳۶۸: ۵۶۱). مشخص نکرده‌اند که این کلمه‌ی آخر قافیه است یا ردیف، یا هر دو؟ و اگر شاعری ردیف را در صدر بیت هم آورده باشد، ملحق به صنعت مطابقه است یا خیر؟ اما وطواط در نمونه‌هایی که برای صنعت مطابقه آورده، او کلمه «بود» ردیف یکی از قصاید عنصری رابه عنوان عجزیت در نظر گرفته و با آن صنعت مطابقه ساخته. مطلع قصیده چنین است:

تا همی جولان زلفش گرد لالستان بود

عشق زلفش را بگرد هر دلی جولان بود

سپس می‌گوید: «یک لفظ در صدر باشد و یکی در عجز» (وطواط، ۱۳۶۲: ۲۱) آنگاه

این بیت را آورده:

تا جهان بودست کس بر باد نفشانده است مشک

زلف یارم هر شبی بر باد مشک افشان بود

«خاقانی» بارها با ردیف صنعت مطابقه ساخته، برای نمونه در این قصیده با ردیف

«کعبه»:

ای در حرمت نشان کعبه / درگاه ترا مکان کعبه

کعبه بدرت پیام داده است / کای کعبه جان و جانکعبه

ای کعبه شدی چو من زبان ور / وصفت بودی بیان کعبه

ای کعبه ملک عصمه الدین / من بنده‌ی رایگان کعبه (خاقانی، ۱۳۷۳: ۴۰۳)

و در قصیده‌ای دوازده بار در صدر و حشو بیت کلمه‌ی «ری» را که ردیف است،

تکرار کرده از جمله:

ری نیک بد و لیک صدروش عظیم نیک

من شاکر صدور و شکایت فزای ری

ری در قفای جان من افتاد و من بجهد

جان می‌برم که تیغ اجل در قفای ری

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۴۴۴)

و حکیم کسایی با ردیفِ زیبای «گل» صنعتِ مطابقه ساخته است:

گل نعمتی است، هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریم تر شود اندر نعیم گل

ای گلفروش، گل چه فروشی برای سیم

وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل

(کسایی، ۱۳۷۳: ۸۷)

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، معلوم گردیده که وسعت اطلاعات ما درباره‌ی «هنر قافیه پردازی» بسیار محدود و ناکافی است. به همین دلیل نویسنده، تعریف‌ها و نمونه‌های صنعت «مطابقه» را از گذشته تا امروز با یکدیگر مقایسه نموده و اثبات نموده که آنچه تا به حال درباره‌ی صنعتِ مطابقه گفته‌اند، دربر گیرنده‌ی همه‌ی زیبایی‌ها و ابعاد هنری و ادبی این صنعت نیست. و هنوز ارزش بلاغی قافیه‌ی شعر فارسی بویژه در صنعت «مطابقه» ناشناخته مانده است.

اختلاف نظر درباره‌ی صنعت مطابقه نه تنها در عنوان بلکه در تعریف صنعت و در تقسیم بندی و انواع آن نیز، وجود دارد و نمی‌توان بدون پژوهش و مقایسه و مقابله‌ی آنها با نمونه‌های اشعار بزرگان، محاسن و معایب و حتی تناقضات آنها را دریافت. برای نمونه شکل‌های تازه‌ای از صنعت مطابقه که بوسیله‌ی جناس ساخته می‌گردد و کاربرد فراوانی دارد، معرفی گردیده که پیش از این از دید دیگران بدور مانده. مطابقه‌های دو تایی یا سه تایی و چند نقطه‌ای از ابتکارات دیگر شعرا در این صنعت است. همچنین دیدگاه‌های تازه‌ای در خصوص تاثیر ردیف و قافیه در ساخت انواع

صنعت مطابقه ذکر شده و همهی نمونه‌ها این مقاله از قصاید بزرگان ادب، انتخاب گردیده است.

نویسنده امیدوار است که به توصیه‌ی استادِ فرزانه دکتر شفیعی کدکنی، جامه‌ی عمل پوشانده باشد و «به گونه‌ای دیگر به قافیه نگریسته باشد» و این مقاله زمینه‌ای برای بازتاب بیشتر و بهتر «هنر قافیه پردازی» و تاثیر آن بر صنایع ادبی فراهم کرده باشد.





ششم. تهران: انتشارات علمی.

۱۵- ناصر خسرو، ابومعین. (۱۳۶۷). دیوان اشعار. به تصحیح مجتبی مینوی. نوبت دوم.

تهران: انتشارات دنیای کتاب.

۱۶- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۳). بدیع از دیدگاه زیبا شناسی. نوبت اول.

تهران: انتشارات سمت.

۱۷- وطواط، رشید الدین. (۱۳۶۲). حدایق السحر فی دقایق الشعر. به تصحیح عباس

اقبال. تهران: انتشارات سنائی و طهوری.

۱۸- همائی، جلال الدین. (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.

